

شور خرد

تاریخ بسیار مختصر فلسفه

رابرت سی. سالمون - کتلین ام. هیگینز

ترجمه‌ی کیوان قبادیان



نشر اختران

فهرست

۷	پیشگفتار
۹	سیر زمانی
	فصل اول آیا حقیقت نهایی وجود دارد؟
۱۹	در آغاز
۲۸	دنیا از کجا آمده است؟ فلسفه اولیه در هند
۳۳	عبرانیان، خدایشان و شریعتشان
۳۷	رنج من؟ زرتشتیگری و مسئله‌ی بدی
۴۱	روشن بینی چیست؟ بودیسم و چینیسم
۴۷	در جست‌وجوی هماهنگی: کفوسيوس، تائوئیسم و مو
۵۳	جوهر عالم: فلسفه یونانی اولیه
۶۳	چگونه باید زندگی کنیم؟ سقراط و سوفسطایان
۶۸	فیلسوفان فیلسوفان: افلاتون و ارسطو
۷۹	وقتی راه دشوار می‌شود: بعد از ارسطو
۸۲	قبل از «کشف» آفریقا و آمریکا
	فصل دوم ایمان و عقل
۸۹	تولد مسیحیت
۹۴	کشف نوافلاتونی آگوستین و حیات درونی روح
۹۸	در مکه: ظهور اسلام
۱۰۰	حالات دگرگون شده، تصوف و ذن
۱۰۴	عقل و ایمان: سنت مشائیی
۱۰۶	اندیشیدن به خدا: حکمت مدرّسی (فلسفه اسکولاستیک)
۱۱۱	«نوزایی» در مذهب و فلسفه: رنسانس و نهضت اصلاح دین
۱۱۵	علم جدید و سیاست‌های آن
۱۱۹	چه کسی می‌داند؟ نقش شک در اندیشه‌های دکارت و مونتنی

۱۲۴	چرا چیزها و قوی می‌یابند؟ اسپینوزا، لاپینیتس و نیوتون
۱۳۲	«نشانم بدء!»: لاک، هیوم و تجربه‌گرایی
۱۳۵	فلسفه و انقلاب
۱۴۱	آدم اسمعیت و دنیای جدید تجارت
	فصل سوم از مدرنیته تا پسامدرنیسم
۱۴۵	ساحت(های) خرد: کانت
۱۵۲	هگل و تاریخ
۱۵۸	نزاع میان شعر و فلسفه: رماناتیسم
۱۶۳	بعد از هگل: کرکگور، فویرباخ و مارکس
۱۶۶	انسانیت به کجا می‌رود؟ میل، داروین و نیچه
۱۷۲	از پاک‌دینی تا عمل‌گرایی: فلسفه در آمریکا
۱۸۰	بازگشت به مبانی: فرگه، راسل و هوسرل
۱۸۴	محدودیت‌های عقلانیت: ویتگنشتاین، فروید و وبر
۱۸۸	پیشرفت فرایند: علیه تحلیل
۱۹۰	معنای اندوه‌بار زندگی: اونامونو، کروچه و هایدگر
۱۹۳	واکنش به فاشیسم: اثبات‌باوری و اصالت وجود
۱۹۸	فلسفه «دیگری» را کشف می‌کند: پرسش پسامدرنیسم
۲۰۳	نمایه
	جزئیاتی در مورد مباحث
	۱. فلسفه و معرفت
	۲. انسان و اجتماع
	۳. فلسفه و هنر
	۴. فلسفه و علم
	۵. فلسفه و اقتصاد
	۶. فلسفه و ادب
	۷. فلسفه و فلسفه‌شناسی
	۸. فلسفه و فلسفه‌دانش
	۹. فلسفه و فلسفه‌دانش
	۱۰. فلسفه و فلسفه‌دانش
	۱۱. فلسفه و فلسفه‌دانش
	۱۲. فلسفه و فلسفه‌دانش
	۱۳. فلسفه و فلسفه‌دانش
	۱۴. فلسفه و فلسفه‌دانش
	۱۵. فلسفه و فلسفه‌دانش
	۱۶. فلسفه و فلسفه‌دانش
	۱۷. فلسفه و فلسفه‌دانش
	۱۸. فلسفه و فلسفه‌دانش
	۱۹. فلسفه و فلسفه‌دانش
	۲۰. فلسفه و فلسفه‌دانش
	۲۱. فلسفه و فلسفه‌دانش
	۲۲. فلسفه و فلسفه‌دانش
	۲۳. فلسفه و فلسفه‌دانش
	۲۴. فلسفه و فلسفه‌دانش
	۲۵. فلسفه و فلسفه‌دانش
	۲۶. فلسفه و فلسفه‌دانش
	۲۷. فلسفه و فلسفه‌دانش
	۲۸. فلسفه و فلسفه‌دانش

فصل اول

آیا حقیقت نهایی وجود دارد؟

در آغاز

اگر به عقب برگردیم و به کل حیات بشر نگاهی بیندازیم، می‌بینیم که ظهور فلسفه و فیلسوفان پدیده‌ی واقعاً عجیبی است، پیدایش غریبی است که نمی‌توان به سادگی و برسپر ضرورت‌های فیزیکی یا فیزیولوژیکی توضیحش داد. شاید این فعالیتی که به ظاهر «بی‌فایده» است، پیامد جانبی رشد مغز بشر بوده یا نتیجه‌ی اندیشه‌هایی بوده است که بر زندگی روزمره‌مان غالب می‌شوند و به فراتر از آن نظر دارند. فلسفه بی‌شک یکی از موارد پیچیده‌ای بوده که بشر، در استفاده‌ی روزافزون از زبان، به آن پرداخته است، فلسفه گنجینه‌ای غنی از واژگان و سرشار از مفاهیم انتزاعی و آگاهانه‌ای است که جایگزین نقائق‌ها و غرغرهای صرفاً فایده‌گرایانه و ظاهراً پر معنی شده‌اند. اما اندیشه‌های فلسفی – مثلاً اندیشه‌هایی درباره‌ی طبیعت و نیروهای طبیعی و سوال‌هایی درباره‌ی بقای روح در زندگی پس از مرگ – در واقع اندیشه‌هایی جهانی‌اند و می‌توان تا ده‌ها هزار سال پیش، در دوران ماقبل تاریخ، رد آنها را دنبال کرد. انسان‌های نناندرتال آیین‌ها و مراسم خاکسپاری خاصی داشتند که نشان دهنده‌ی اعتقاد آنها به حیات دائمی مردگان است. اندیشه‌هایی درباره‌ی وجود ارواح، خدایان و الهه‌ها و موجودات و نیروهای فعالی که فراتر از محدوده‌ی ادراک مستقیم بشری هستند نیز تاریخی طولانی دارد.

جان آستین (1911-1990)

آلبر کامو (1913-1960)

سیمون دوبووار (1908-1986)

مالکوم ایکس (1925-1965)

مارتن لوترکینگ (1929-1968)

تجارت بسیار رونق داشت. عبرانیان باستان چادرنشین بودند، هند محل تقاطع فرهنگ‌های بسیار متفاوتی بود و مصر خاستگاه اندیشه‌هایی بود که بعدها فلسفه‌ی یونانی بر آنها بنا شد. در جنوب دریای مدیترانه نیز تمدن‌های بزرگی وجود داشت، نه فقط در مصر بلکه در نوبیا (اتیوپی) و در بالای رود نیل نیز. این فرهنگ‌ها دارای نظام‌های پیچیده‌ی کنونی و در بالای رود نیل نیز. این فرهنگ‌ها دارای نظام‌های پیچیده‌ی کنونی) و در بالای رود نیل نیز. این فرهنگ‌ها دارای نظام‌های پیچیده‌ی کنونی) و در بالای رود نیل نیز.

نجوم، ریاضیات پیش‌رفته و دیدگاه‌های پیچیده و عمیقی درباره‌ی ماهیت روح بودند و دغدغه‌ی مسئله‌ی حیات پس از مرگ را داشتند. بسیاری از اندیشه‌های مهم فلسفه‌ی یونان، از جمله پرداختن به هندسه و به مفهوم روح، کم و بیش مستقیم از مناطق دیگر وارد یونان شده بود. در واقع بهتر است «معجزه‌ی» بزرگ یونان باستان را آغازی بر جسته ندانیم بلکه آن را نقطه اوج در نظر بگیریم، نقطه‌ی اوج داستانی طولانی که ابتدایش را دیگر به یاد نداریم.

شاید قدیمی‌ترین فلسفه‌ی مکتوب از آن هند باشد. آنچه ما هندوئیسم می‌نامیم به هزاران سال پیش بر می‌گردد. هندوئیسم نه فقط مجموعه‌ی شکفت‌انگیزی از خدایان و الهه‌ها را شامل می‌شود، بلکه میراثی غنی از خرد، تأمل و بینش‌های عمیق نسبت به راه و رسم دنیا را در بر می‌گیرد. متن‌های باستانی هندو، که ودا نام دارند، به ۱۴۰۰ سال پیش از میلاد بر می‌گردند و اوپانیشادها، که به دنبال ودای آمد هاند و آنها را شرح داده‌اند (و به آنها ودانتا یا شرح نیز می‌گویند) از سال ۸۰۰ پیش از میلاد بوده‌اند. وقتی بودا، یا همان سیدارتا گوتاما، ظاهر شد (۴۸۶-۵۶۶ قبل از میلاد)، آزاداندیشی و تمایل به عرفان در فلسفه‌ی هند غالب بود (جینیسم، مذهبی که اساس آن قداست زندگی و عدم خشونت است، تقریباً در همین زمان در هند پدید آمد). فیلسوفان هندی چندین قرن از مفهومی از واقعیت مطلق، یا برهمن، دفاع کرده بودند که بعضی مصراًانه اعتقاد داشتند از تجربه‌ی عادی بشر مستقل و برای آن ناشناخته است. بودا با پیروی

کنجکاوی پیرامون طبیعت، نه فقط بر حسب ضرورت بلکه در مقام پرداختن به یک اعجاز ناب، احتمالاً به دوران کرومماگون‌ها^۱ بازمی‌گردد. مفاهیم گوناگونی از هویت جمیعی و عدالت – نه فقط مراسم و عادات زندگی جمیعی بلکه اسطوره‌ها و توجیهاتی پیرامون سرزمین، قدرت و اجتماع – بی‌شك قرن‌ها پیش از ظهور «تمدن» وجود داشته‌اند.

در زمانی بین قرن ششم و قرن چهارم پیش از میلاد مسیح نظام‌های فکری و اندیشه‌های فلسفی، به شکلی کاملاً روشن، در بسیاری از مناطق دنیا پدید آمدند. در اطراف دریای مدیترانه و خاورمیانه، در هند و در چین فیلسوف‌های بزرگی ظهر کردند که اندیشه‌هایشان تا هزاران سال بعد آبخشخور اصطلاحات فلسفی، در سنت‌های گوناگون، بود.

در خاورمیانه، عبرانیان باستان درباره‌ی خدای واحد و درباره‌ی خود به عنوان «قوم برگزیده» مفهوم پردازی کردند. در یونان، فیلسوفان اولین نظریه‌های علمی پیرامون طبیعت را شکل دادند. در چین، از یکسو تائوئیست‌ها بینشی بسیار متفاوت را نسبت به طبیعت مطرح کردند و از سوی دیگر، کنفوسیوس مفهوم قدرتمندی را پیرامون جامعه و فرد پارسا شکل داد، مفهومی که حتا امروز هم بر تفکر چینی حکم فرماست. در هند باستان، نظریه‌پردازان اولیه‌ی هندو (ودانیست‌ها) به تفکر و بحث در باب ماهیت دنیا، چنان که در ودای باستانی توصیف شده بود، پرداختند و مجموعه‌ای غنی از خدایان، الهه‌ها و اندیشه‌های شکوهمند آفریدند.

فلسفه آغاز مشخصی ندارد اما ناشی‌گری است اگر فکر کنیم اندیشه‌ی فلسفی، هم‌زمان و به گونه‌ای معجزه‌آسا، در نقاط مختلفی در سراسر دنیا ظاهر شده است. در آسیا قافله‌هایی در رفت و آمد بودند و در نواحی مدیترانه، در بالا و پایین رود نیل، و در جایی که امروزه خاورمیانه نام دارد

^۱. کرومماگون (Cromagnon): نوعی از انسان‌های ما قبل تاریخ.

طور که جوامع انسانی هنوز هم چنین اعتقاداتی دارند (به سرود ملی هر کشوری که گوش کنیم همین را می‌شنویم). موقوفیت مهم عبرانیان باستان به خاطر مهارت‌شان در آفرینش، اعتبار بخشیدن و گفتن داستان خود بود، داستان مردمان نیرومندی که با خدا پیمان بستند، از بلاهایی که بر سرشان نازل شد و خود موجب‌شودند، رنج بردن و با این حال دوام آوردند.

در خاور میانه نیز، در جایی که با نام پارس معروف بود، مردی به‌نام زرتشت بلخی یا زوماستر (۵۸۳-۶۵ قبل از میلاد) جنبشی به سوی یکتاپرستی همه‌جانبه‌ی اخلاقی را آغاز کرد. می‌توان حدس زد که زرتشت، کم‌ویش، از عبرانیان باستان، یکتاپرستی ابتدایی آخناتون مصری و داهای هندو (که اندیشه‌های زرتشت شباهت زیادی به آنها دارد) تأثیر پذیرفته است. ممکن است کسانی بگویند که زرتشت، در واقع، یکتاپرست نبوده، زیرا او به چندین خدا اعتقاد داشته است. با این حال، او فرمان داد که باید قوی‌ترین خدا را پرستید، یعنی اهورا مزدا، خدای آفریننده را؛ و بر مفهومی قدرتمند از نیکی و بدی به‌عنوان نیروهای فعال در جهان تأکید کرد. به گفته‌ی زرتشت، اهورا مزدا در جانب نیکی است اما هم نیکی و هم بدی در همه‌ی ما حضور دارند. هزاران سال قبل از این که در آفریقای شمالی آگوستین قدیس این مسئله را مطرح کند، زرتشت نگران چیزی بود که «معضل شر» نامیده می‌شود: چطور خدا می‌تواند اجازه دهد که این همه رنج و گناه در عالم باشد؟ این شنویت اخلاقی در دست‌های مانویان (که بعدها آمدند و تحت تأثیر زرتشت بودند اما زرتشتی‌ها آنها را بدععت‌گذار می‌دانستند) به نبردی کیهانی میان خیر و شر تبدیل شد. زرتشتی‌ها ایران را به یکی از قدرتمندترین امپراتوری‌های دنیا تبدیل کردند.

چنین، از همان قرن ششم پیش از میلاد، دارای فرهنگ سیاسی بسیار

نسبی از متون مقدس هندو دیدگاهی را بسط داد که بر طبق آن تصویر عادی ما از عالم و از خودمان نوعی توهم است. هم و دانیسته‌های اولیه و هم بودا معتقد بودند انسان فقط وقتی از رنج رهایی پیدا می‌کند که آن سوی توهم‌های واقعیت این‌جهانی و توهم‌های نفس خود را ببیند. پیروان بودا، که نام او را بر خود دارند، نظریه‌های قدرتمندی پیرامون شناخت، طبیعت، خویشتن و سوداهاش، بدن و دردهایش، ذهن و پریشانی‌هاش و زبان و شیوه‌های ما برای فکر کردن به واقعیت را مطرح کردند.

عبرانیان باستان نیز نیروی فلسفی قدرتمند دیگری در دنیای باستان بودند. مفاهیم آنها از خدای واحد و از قانون نازل شده از سوی خدا، هزاران سال پیش از میلاد مسیح، زمینه را برای «تمدن غربی» آماده کرد. (ده فرمان احتمالاً بخشی از قانون شریعت بود که ۱۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح وضع شده بود). شاید هیچ فیلسوف عبرانی‌ای (قبل از مسیح) نباشد که شهرتش به پای کنفوشیوس، بودا یا سقراط برسد. با این حال متفکران عبرانی باستان یکی از تأثیرگذارترین کتاب‌های طول تاریخ را برای ما به جا گذاشته‌اند، کتاب مقدس یهودیان یا همان «عهد عتیق» (تورات). سفر (کتاب) آفرینش یکی از مهم‌ترین کتاب‌های فلسفی است. این کتاب اگرچه، قبل از هرچیز، اثری مذهبی است، اما تاریخ، جامعه‌شناسی، و به گفته‌ی بعضی‌ها، علم نیز هست.

عبرانیان باستان نه مبدع اندیشه‌ی خدای واحد بودند و نه راسخ‌ترین مردمان باستان به داشتن قانونی منسجم و نه معتقد‌ترین مردمان به این اندیشه که خودشان «برگزیده» هستند. آمن‌هوتب چهارم (آخناتون)، فرعون مصر در قرن چهاردهم پیش از میلاد خدایی واحد را می‌پرستید؛ با بلی‌ها در زمان سلطنت حمورابی (۱۷۳۰-۱۶۸۵ قبل از میلاد) مجموعه قوانین مفصلی داشتند که یهودی‌ها آزادانه آن را به عاریت گرفتند؛ و تقریباً همه‌ی قبیله‌ها و جامعه‌ها ظاهراً خود را خاص می‌دانستند، همان